

مطبوعات فلسطین

● محسن رادان

کارشناس ارشد ارتباطات

استقلال، آزادی و یا حاکمیت دولتی نیرومند را نچشیده‌اند، ولی همانند حقوق دان و سیاستمداری با تجربه، به دفاع از هم‌میهنان خود پرداخته، و دیدگاه‌های آنان را منعکس ساخته‌اند. این مطبوعات از آن جاکه سبیل ادب و فرهنگ و آرمان‌های ملت هستند، می‌توانند زمینه گسترده‌ای را برای بررسی مسائل گوناگون جامعه فلسطین فراهم سازند.

کتاب حاضر

کتاب پیش رو نخستین اثر تحقیقی فارسی* پیرامون مطبوعات فلسطین است که به بررسی ابعاد کمی و کیفی، و ارزیابی مراحل پیشرفت مطبوعات فلسطین پرداخته و از این راه، به شناخت ادبیات آن سرزمین یاری رسانده است.

کتاب حیطة کار خود را به نشریات عربی محدود ساخته و در قالبش فصل ارائه می‌گردد. در ذیل هر فصل، مهم‌ترین نشریات دوره‌های مورد ذکر را به صورت مختصر، و با ترتیب الفبایی، آورده است.

جنبش فرهنگی فلسطینیان در سرزمین‌های اشغال شده

جنبش فرهنگی فلسطینیان در سرزمین‌های اشغال شده فلسطین از آغاز اشغالگری صهیونیست‌ها چندین دوره را پشت سر نهاد که نخستین آنها را می‌توان «دوره آسیب‌پذیری» نامید. شکست جنگ پنجم ژوئن ۱۹۶۷ به فرهنگ کرانه باختری و باریکه غزه ضربه وارد



● عزت ملأابراهیمی. مطبوعات فلسطین، از آغاز پیدایش تا روی کار آمدن تشکیلات خودگردان، تهران: قبله اول، تابستان ۱۳۸۲ش، چاپ اول، ۲۳۷ صفحه، رقعی، شمیز.

درآمد

مطبوعات فلسطین با آن‌که در طول حیات خود، هرگز طعم

مطبوعات یکی از ابزارهای اصلی است که صهیونیستها برای رسیدن به اهداف خود به کار گرفته‌اند زیرا در این میان توانسته‌اند در برابر افکار عمومی بایستند، بر حکومت فشار وارد آورند و در تصمیم‌گیریها تأثیر بگذارند

شد، اما این روزنامه نیز نتوانست بخش مهمی از آرمان‌های فرهنگی مردم سرزمین اشغال شده را به خود جذب کند، گرچه هر هفته یک صفحه فرهنگ دارد. این صفحه کاملاً سنتی است و فقط شعر کلاسیک و قصه‌های تخیلی را به چاپ می‌رساند و به روند ادبیات محلی توجهی ندارد. جالب آنکه القدس و الانباء تنها روزنامه‌هایی هستند که اجازه ورود به زندان‌ها و بازداشتگاه‌های اسرائیل را دارند. لذا، نویسندگان جوان فلسطینی در سرزمین اشغال شده به نوشتن در الاتحاد، الجدید، الغد روی آورده‌اند و این به رغم خطرهای پیوسته‌ای بود که در راه رسیدن این گونه روزنامه‌ها و مجلات به شهرها و روستاهای کرانه و نوار، وجود داشت. ادبای جوان تصمیم قاطع گرفتند تا در این گونه نشریات قلم بزنند. این نشریات با وجود ممنوعیت و سرکوب و بازداشت به طور قاچاق توزیع و دست به دست می‌گردید.

فدوی طوقان شاعره نامدار سرزمین‌های اشغال شده، پیش از همه تصمیم گرفت تا در این عرصه گام نهد. وی با ادبا و شاعران «جلیل» و «مثلث» تماس گرفت و اشعار جدید خود را در الاتحاد و الجدید به چاپ رساند. بدین سان فدوی طوقان، راهی نوین و درست برای شاعران و ادبای جوان ترسیم نمود.

در سال ۱۹۷۲ دو روزنامه الفجر و الشعب منتشر شدند، و به دنبال آنها روزنامه‌ها و مجله‌های میهنی ذیل پدیدار گشتند: الطلیعه (پیشگام)، التراث و المجتمع (میراث فرهنگی و جامعه)، الميثاق، الفجر الادبی، الشراع (بادبان)، الکاتب (نویسنده)، الیادری، السیاسی (خرمن‌های سیاسی)، الیادری الادبی (خرمن‌های ادبی)، العوده (بازگشت)، الفجر به زبان انگلیسی و الفجر به زبان عبری. این روزنامه‌ها و مجله‌ها که عملاً به ادبیات ملی اهتمام می‌ورزیدند هنوز هم منتشر می‌شوند، مگر مجله الشراع که مقام‌های اشغالگر در ژوئیه سال ۱۹۸۳ آن را تعطیل کردند. توزیع مجله الطلیعه - که

آورد. در مقابل، این اشغالگری اضلاع پراکنده فلسطینی را به هم پیوند داد. کرانه باختری با نوار غزه ارتباط یافت. این دو ضلع با ضلع سوم یعنی با فلسطینیان بازمانده در زیر اشغال اسرائیلیان در نواحی «مثلث» و «جلیل» پیوند یافتند. سرنیزه اشغالگران خود عامل گردآورنده این سه ضلع بود. به هر حال بیم ناشی از «آسیب» فرهنگی مدت درازی نکشید. هم‌چنین، این آسیب به یک انگیزه ژرف همبستگی جنبش فرهنگی فلسطین با همه اضلاع و توان و نهادهایش تبدیل شد تا بدین سان وجود خویش را به تحقق برساند و در یک رویارویی آگاهانه و فعال با همه اشکال اشغالگری روبه‌رو شود.

الف - فرآورده‌های نو

کرانه باختری و نوار غزه - سرزمین‌های اشغال شده پس از سال ۱۹۶۷ - از هر روزنامه و مجله عربی محلی و میهنی تهی بود. نشریه‌های عرب فلسطینی (روزنامه‌ها و مجله‌های حزب راکاح) نظیر الاتحاد، الجدید، الغد (فردا)، الدرب (راه) که در حیفا منتشر می‌شد از ورود به سرزمین‌های اشغال شده (پس از سال ۱۹۶۷) ممنوع بود. در نتیجه «خلاء فرهنگی» مشهود و رایج بود. گرچه مقام‌های اشغالگر می‌کوشیدند تا این «خلاء» را با یک روزنامه عربی زبان اسرائیلی به نام الیوم (امروز) - که بعدها الانباء (اخبار) نام گرفت - و نیز مجله ماهانه المرصاد (دیده‌بان) که وابسته به حزب «ماپام» بود و انتشار آن پس از چند سالی متوقف شد پرکنند اما این تلاش به نتیجه نرسید. این نشریات هر چند که پوشش عربی به خود گرفته بودند، اما به هر حال نشریه‌های اسرائیلی به شمار می‌رفتند و در نتیجه - به ویژه الانباء - نتوانستند یک نویسنده محلی و میهنی را به خود جذب کنند.

در سال ۱۹۶۹، روزنامه القدس با امتیاز یک عرب محلی منتشر

ممکن است در قدس برگزار شود. در حالی که گردهمایی مشابه آن نمی‌تواند، مثلاً در نابلس، صورت پذیرد.

انتشار کتاب، مسأله آسانی نیست. رژیم اشغالگر می‌کوشد از این امر جلوگیری کند و به سرکوب آن پردازد: نخست با سانسور نظامی، دوم با مصادره کتاب‌های منتشر شده، سوم به واسطه زندان و هراساندن ادبا و نویسندگان و صاحبان کتاب‌فروشی‌ها و ناشران.

ج - سانسور فوق‌العاده

رژیم صهیونیستی سانسور نظامی و استواری را اعمال می‌کند که متکی بر قوانین «فوق‌العاده» انگلیس در سال ۱۹۴۵ است. هر حرف و واژه و عکس و تصویر و مطالبی که در روزنامه‌ها، مجله‌ها، کتاب‌ها و نشریه‌ها چاپ شود، در معرض سانسور قرار می‌گیرد مگر آنچه راکه قانون به عنوان «چاپ برای یک بار» اجازه دهد. این یک قانون صهیونیستی است که فقط خود صهیونیست‌ها از آن بهره می‌برند و ادبا و روزنامه‌نگاران سرزمین اشغال شده از آن مستثنی هستند. در واقع این قانون به سان یک دام است که همساز با آن شهروند فلسطینی دارای شناسنامه اسرائیلی، کتاب را «برای یک بار چاپ» می‌کند و در پی آن به بازجویی و سپس زندان کشیده می‌شود.

قیچی سانسور، عملاً کوشیده است، جنبش فرهنگی فلسطینیان را در نطفه خفه کند. هرچه این قیچی کتاب‌های بیشتری را نابود کرد، نویسندگان نسبت به انتشار کتاب‌های خویش ناامیدتر شدند، نوشته‌هایشان را نزد خود تلنبار کردند یا به طور کل از نویسندگی دست کشیدند، سکوت پیشه کردند. اما این ناامیدی دیرپا نبود، زیرا چالش‌طلبی اشغالگران و از آن میان مبارزه فلسطینیان با سرکوب فرهنگی و نیز همین احساس ناپایداری ناامیدی باعث شد که برخی نویسندگان به ابداعات عظیمی دست یابند و به ابزارهای فراوانی برای انتشار نوشته‌های خویش دسترسی پیدا کنند.

د- هراس افکنی

با وجود این شرایط، طبق آمار انجمن پژوهش‌های عربی قدس، در فاصله سال‌های ۱۹۶۷ تا ۱۹۸۰ حدود ۹۸۰ عنوان کتاب در سرزمین‌های اشغال شده به چاپ رسید. از سوی دیگر، برخی از ناشران محلی، کتاب‌های سانسور نشده را منتشر می‌کردند و روزنامه‌ها و مجلات نیز هرازگاه، قصه‌ها و شعرهای بی‌سانسور را به

سخنگوی حزب کمونیست فلسطین است - از هنگام انتشار تاکنون در کرانه غربی و نوار غزه ممنوع است. مجله التراث و المجتمع از سال ۱۹۸۲ به سبب عملیات سرکوب اشغالگران دیگر منتشر نشد، به ویژه آنکه این مجله به پژوهش‌ها و بررسی‌های فولکلوریک ملی می‌پرداخت.

در واقع، سرزمین اشغال شده، گواه انتشار نشریه متنوع و پیاپی بود. پاره‌ای نظیر الوان، فتاه فلسطین و التبشیر کاملاً ناکام بود که این عمر مسأله فراوانی دارد. برخی از آنها به علت پیوند با اشغالگران به سقوط کشیده شدند و برخی تنها یک «ماجرای جوی» فردی بودند بی‌آنکه از یک توان هنری یا فرهنگی برخوردار باشند. اینها نیز سقوط کردند.

ب - نشر و گسترش فرهنگ

روزنامه‌ها به تدریج صفحات ادبی و هنری مهمی را به ادبا و هنرمندان محلی اختصاص دادند. سپس مجله‌های صرفاً ادبی منتشر شدند: البیادر الادبی، الفجر الادبی و الکاتب، یک مجله ویژه هنر نمایش به نام تئاتر منتشر گردید که بعدها از کار بازماند و احتمالاً این توقف ناشی از عدم رشد تئاتر و نمایش بوده است. هم‌چنین یک مجله ادبی ویژه ادبیات کودکان به نام پراعم (غنچه‌ها) منتشر شد که پس از چند شماره انتشار آن متوقف شد.

از جنبه دیگر که با روند ادبی - مطبوعاتی در ارتباط است - برخی انتشارات محلی پدید آمدند و با امکانات اندک، کتاب‌هایی از نویسندگان محلی را منتشر نمودند، نظیر انتشارات «صلاح الدین» و «ابوعرفه» و «الاسوار» و «ابن رشد». دانشگاه‌ها و باشگاه‌ها و انجمن‌ها و سندیکاها نیز به ادبیات محلی روی آوردند و جشنواره‌ها، سخنرانی‌ها، شب‌شعرها و میزگردها ترتیب دادند.

اغلب این نهاد‌های فرهنگی - روزنامه‌ها و مجلات و انتشارات - به دو دلیل در شهر عربی قدس متمرکز شدند:

الف - به سبب اهمیت قدس به عنوان پایتخت فلسطین که نوعی رویارویی با تجاوز رژیم صهیونیستی به این شهر است که آن را همچون «پایتخت جاودانه اسرائیل» به‌شمار می‌آورد.

ب - به منظور بهره‌برداری مرحله‌ای از پاره‌ای قوانین اسرائیلی که به ادبای عرب در قدس اجازه فعالیت فرهنگی می‌دهد. دشمن این امر را بر اساس تجاوز پیشین که «قدس عربی را بخشی از اسرائیل» دانسته، انجام می‌دهد. در نتیجه هر گردهمایی عربی

مطبوعات در فلسطین اشغالی نسبت به سایر کشورها، به لحاظ تعداد عناوین و میزان تیراژ، شاخص است و با اینکه جمعیت سرزمین‌های اشغالی حدود سه میلیون تن است، شمار مطبوعات آن به شرح زیر است:

- * ۵۰ مجله هفتگی.
- * ۱۰۰ مجله فصلی و گاهنامه.
- * ۷۰ مجله دیگر که توسط حکومت اسرائیل منتشر می‌شود.
- پرتیراژترین روزنامه‌های فلسطین اشغالی اغلب پس از برپایی رژیم صهیونیستی به وجود آمدند. مطبوعات اسرائیل در شهر تل‌آویو متمرکز هستند که این تمرکز دلالی چندی دارد، از آن میان:

 ۱. شمار زیاد ساکنان این شهر.
 ۲. برای مدتی پایتخت رژیم صهیونیستی به شمار می‌رفت.
 ۳. تل‌آویو از نظر تاریخی حومه شهر یافا بوده که مرکز تجمع مهاجران یهود به شمار می‌رفت. شایان توجه آنکه اغلب روزنامه‌نگاران اسرائیلی دارای اصلیت آمریکایی و اروپایی هستند. با توجه به شمار روزنامه‌های چاپ شده می‌بینیم که نسبت به ساکنان فلسطین اشغالی درصد بالایی را تشکیل می‌دهد یعنی ۲۰ نسخه برای هر ۱۰۰ تن که بالاترین نسبت در منطقه خاورمیانه است.
 - دلالی کثرت مطبوعات در فلسطین اشغالی عبارتند از:

 ۱. گوناگونی نژادهایی که جامعه «اسرائیل» از آن به وجود آمده است.
 ۲. وجود شماری از احزاب سیاسی در فلسطین اشغالی.
 ۳. بالا بودن نسبت باسوادی در فلسطین اشغالی به گونه‌ای که این نسبت در میان یهودیان به ۹۳ درصد می‌رسد.
 ۴. بسیاری از روزنامه‌ها به ویژه مطبوعات به زبان‌های بیگانه به آمریکا و اروپا و دیگر کشورها ارسال می‌شود.

- منابعی که مطبوعات فلسطین اشغالی را تغذیه می‌کنند عبارتند از:

 ۱. منابع داخلی: منظور، آژانس مطبوعاتی «اسرائیل» (ا‌تیم) است.
 ۲. منابع خارجی: خبرگزاری «اسرائیل».
 - الف - خبرنگاران خبرگزاری اسرائیل.
 - ب - خبرگزاری‌های جهان.

چاپ می‌رساندند. توسط رژیم اسرائیل به پاره‌ای از این ناشران و روزنامه‌ها در این باره هشدار داده شد و آنها را به بستن محل کارشان تهدید کردند. بدین سان، روزنامه الفجر چندین بار بسته شد که گاهی تا دو ماه نیز طول کشید. هم چنین به سوی دفاتر روزنامه الفجر چندین بمب پرتاب گردید. در سال ۱۹۷۴ «یوسف نصر» بنیان‌گذار و سردبیر این روزنامه ربوده شد و هیچ اطلاعی از وی به دست نیامد. نمونه مشخص درباره مؤسسه‌های انتشاراتی، دفتر انتشارات «الاسوار» در شهر عکاست که گرچه دارنده آن «یعقوب حجازی» عرب فلسطینی و دارای جواز اسرائیلی بود ولی دفتر «الاسوار» در معرض یورش و مصادره کتب قرار گرفت و صاحب آن به علت نشر کتابهای بی‌سانسور به محاکمه کشیده شد.

نویسندگان و هنرمندان و روزنامه‌نگاران همواره در معرض زندان و بازداشت و تبعید و هراس افکنی مقامهای اشغالگر قرار گرفته‌اند. در زیر به چند نمونه در این باره اشاره می‌شود:

الف - بیرون راندن محمود شقیر به اردن که پس از بازداشت وی صورت گرفت.

ب - تحمیل اقامت اجباری بر رؤسای تحریریه نشریات الفجر، الشعب و الطلیعه.

ج - تحمیل اقامت اجباری بر نویسندگانی همچون سامی کیلانی و حسن ابولیده.

د - بازداشت ده‌ها ادیب، شاعر، قصه‌نویس و هنرمند فلسطینی.

و- مطبوعات صهیونیستی

اهمیت سلاح تبلیغاتی در تأثیرگذاری بر تحولات و جریانهای فکری و سیاسی و اقتصادی و اجتماعی، توجه یهودیان جهان را به اهتمام بیشتر نسبت به مطبوعات و روزنامه‌ها جلب کرده است زیرا تعداد رسانه‌های تبلیغی صهیونیست‌ها به ۷۶۰ روزنامه و مجله به زبان‌های مختلف دنیا بالغ گشته و این سرمایه‌گذاری جهت جلب توجه افکار عمومی از طریق مسایل فرهنگی صورت می‌پذیرد تا بدین وسیله افکار عمومی را به سمت خود جلب کنند و مواضع سیاسی‌شان را در مورد مسایل مهم جهانی اتخاذ نمایند. مطبوعات یکی از ابزارهای اصلی است که صهیونیست‌ها برای رسیدن به اهداف خود به کار گرفته‌اند زیرا در این میان توانسته‌اند در برابر افکار عمومی بایستند، بر حکومت فشار وارد آورند و در تصمیم‌گیریه‌ها تأثیر بگذارند.

ج - خبرنگاران مطبوعات در خارج.

راستگرا است که در تألیف کتاب «تقصیر» که پس از جنگ ۱۹۷۳ منتشر شد شرکت داشته است. از دیگر نویسندگان این روزنامه، مفسر طنزنویس (مات میخائیل) و نویسنده سیاسی (عوزی نیزیمان) می‌باشند.

«هاآرتس» یک خبرنگار عرب داشته به نام عطاءالله منصور از شهروندان ناصره که پیرامون مسایل عربی و مشکلات اعراب مطلب نوشت.

۵. روزنامه «هلبنون» (البنان): نخستین روزنامه یهودی است که پس از برپایی دولت صهیونیستی در سال ۱۹۵۷ در فلسطین منتشر شده و تا کنون نیز منتشر می‌شود.

مطبوعات فلسطین اشغالی زیر قیچی سانسور نظامی قرار دارند. یک دادگاه ویژه تشخیص در صورت اعتراض به تصمیم‌های اداره سانسور، برای داوری پیرامون این تصمیمات وجود دارد اما رئیس ستاد ارتش رژیم صهیونیستی می‌تواند مصوبات دادگاه تشخیص را نقض کند. شایان یادآوری است که بسیاری از نویسندگان مطبوعات که محاکمه شده و روزنامه‌هایشان بسته شده به سبب مخالفت با احکام سانسور و انتشار حقایق بوده که با سیاست توسعه طلبانه رژیم صهیونیستی همخوانی نداشته است.

مهم‌ترین روزنامه‌های فلسطین اشغالی عبارتند از:

ب - مطبوعات حزبی در اسرائیل

۱. روزنامه «داما» که از سوی اتحادیه سندیکاهای کارگران «هستدروت» منتشر می‌شود و برجسته‌ترین نویسنده‌اش «دانی روبنشتاین» است.

۲. روزنامه «عل‌همشمار» توسط حزب «ماپام» که دارای گرایش‌های سوسیالیستی است منتشر می‌شود. برجسته‌ترین نویسنده‌اش «امنون کابلیوک» عضو کمیته مرکزی حزب و نیز خبرنگار روزنامه فرانسوی لوموند است.

۳. روزنامه «همفدال» از سوی حزب دینی که گروه مهم ائتلاف تجمع لیکود را تشکیل می‌داده منتشر می‌شود. این روزنامه در میان مذهبی‌های متعصب در فلسطین اشغالی توزیع می‌شود.

۴. روزنامه «زوها دیرخ» یا «این‌راه» که توسط حزب کمونیست اسرائیل (راکاح) به زبان عبری منتشر می‌شود و با روزنامه دیگر حزب که بانام «الاتحاد» و به عربی انتشار می‌یابد تفاوت دارد. این روزنامه با عرب‌ها و یهودیان به طور جداگانه و با ذهنیت‌های مختلف سخن می‌گوید.

الف - روزنامه‌های عبری زبان کثیرالانتشار شامل

۱. روزنامه «جروسالم‌پست» (روزنامه صبح) که جزو نخستین روزنامه‌های صهیونیستی منتشر شده به زبان انگلیسی است. این روزنامه در سال ۱۹۳۲ با نام «فلسطین‌پست» بنیاد نهاده شد. با بنیان‌گذاری رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۴۸ به نام کنونی تغییر نام داد. تیراژ آن در سال ۱۹۸۳ حدود ۳۴ هزار نسخه بود و در روزهای شنبه به ۳۵ هزار نسخه می‌رسید.

۲. روزنامه «یدیعوت‌آحاروت» از سال ۱۹۴۳ منتشر می‌شود تیراژ روزانه آن ۱۰۰ هزار نسخه است و حدود ۴۰ درصد خوانندگان فلسطین اشغالی آن را می‌خوانند.

رئیس هیأت تحریریه آن (حییم روزبنلوم) است که دارای نوعی مشی لیبرالی است. برجسته‌ترین نویسنده آن عاموس کنعان است که از مهم‌ترین مفسران اسرائیلی به شمار می‌رود و انتقادات و تفسیرهای فراوانی از سیاست‌های حکومت به عمل می‌آورد.

۳. روزنامه «معاریو» (روزنامه عصر)، در سال ۱۹۴۸ بنیاد نهاده شد و حدود ۱۶۰ هزار نسخه در روزهای عادی هفته و ۳۱۰ هزار نسخه در روز شنبه منتشر می‌کند و حدود ۳۲ درصد خوانندگان فلسطین اشغالی آن را می‌خوانند. روزنامه معاریو روزنامه‌ای است راستگرا و مستقل و برجسته‌ترین نویسنده آن «تامر گولان» می‌باشد که دارای روابط استواری با دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی اسرائیل است. هم‌چنین «اریه اونیری» که اندیشه‌های راستگرایانه دارد. (نک: اونیری، اریه) این روزنامه از مهم‌ترین پشتیبانان سیاست‌های مناخیم‌بگین و تجمع لیکود به شمار رفته است.

۴. روزنامه «هاآرتس» (زمین): در سال ۱۹۴۹ بنیاد نهاده شد. تیراژ روزانه آن ۷۷ هزار نسخه و آزادترین روزنامه راستگرا به شمار می‌رود. از برجسته‌ترین مفسران روزنامه / ژئیف شیف / نویسنده

د - مطبوعات صهیونیستی خارج از اسرائیل:

حدود ۷ درصد مطبوعات عمومی و نشریات دوره‌ای غرب زیر نفوذ صهیونیست‌هاست و این صهیونیست‌ها قادرند از انتشار هر نشریه

فلسطین را سوریه جنوبی می‌خواندند، و نظام فتودالی در آن حاکمیت داشت. نخستین نشریه فلسطینی با عنوان القدس الشریف در این دوره به چاپ می‌رسد که سی سال پس از ورود نخستین چاپخانه به این سرزمین است.

کارگزاران عثمانی، عرصه را بر روزنامه‌نگاران تنگ کرده بودند؛ چنانچه نشریه‌ای از فساد اداری و اجتماعی و قتل و غارت و رشوه‌خواری ایشان سخن می‌گفت، به سختی سرکوب شده، و کارمندان دولتی از خرید آن خودداری می‌ورزیدند.^۱ نام مطبوعات در این زمان، بدون آن‌که در گزینش واژه‌ها ابتکار و خلاقیتی صورت گیرد، از نشریات عربی ویا ترکی اقتباس شده است: الاصمعی، الاعتدال، الانصاف و جراب الکردی از این دسته‌اند.

فصل دوم

«مطبوعات فلسطین در دوره قیومیت»، شامل:

الف - از صدور اعلامیه بالفور تا پیش از قیام براق (۱۹۱۷ - ۱۹۲۸ م.) اعلامیه بالفور در نوامبر ۱۹۱۷ میلادی صورت گرفت، و سرپیچی انگلستان از خواسته‌های اعراب، بیش از پیش، زمینه را برای رویارویی با استعمار مهیاساخت. در این میان نخبگان فلسطینی با گسترش دامنه فعالیت مطبوعات به سازمان‌دهی مردم بر ضد یهودیان پرداختند^۲ که حاصل آن در جرایدی همچون الاتحاد العربی، الاقدام، زهرة الجمیل و الزوايات الاهلیة دیده می‌شود. با این حال، عمر نشریات این دوره به سبب ضعف مالی، تورم ناشی از جنگ جهانی، گرانی هزینه چاپ و فشار حاکم، بسی کوتاه و با فواصل فراوان است.

ب - از قیام براق تا پایان قیام سراسری فلسطین (۱۹۲۹ - ۱۹۳۹ م.) در این عصر بود که تظاهرات‌ها به پایان رسید و اندیشه نبرد مسلحانه در جان‌ها قوت گرفت. بر اثر بالا رفتن شعور سیاسی مردم، بر شمار نشریات، افزوده شد، و مطبوعات، هم‌نوا با جنبش ملی فلسطین به دفاع از آرمان‌های مردم برخاستند^۳: الاوقات العربیة، البشری، الجیل، الحقیقة المصورة، السمیر، الخمیس و....

آنچه مطبوعات این دهه را از دیگر مراحل، متمایز می‌سازد، ظهور نشریات وابسته به تشکیلات سیاسی و احزاب است: الاستقلال، الکفاح، الجامعة العربیة و....

ج - از سرکوبی قیام سراسری تا اشغال فلسطین (۱۹۴۰ - ۱۹۴۸ م.) جراید آخرین دوره مربوط به عصر قیومیت، گام‌های قابل توجهی در زمینه تکامل زبان و ادب برداشتند؛ مطالب متنوع، کیفیت ممتاز چاپ و گستردگی شبکه‌های اطلاع‌رسانی، مایه تمایز آن‌ها از دوره‌های دیگر و برابری آن‌ها با جراید سوریه و لبنان است^۴:

و نوشته‌ای جلوگیری کنند و اگر هم منتشر شد، تمام نسخه‌های آن را می‌خرند همچنان که در مورد کتاب محقق روسی «ایوانف» تحت عنوان «از صهیونیست بپرهیزید» و نیز در مورد چند کتاب فرانسوی و انگلیسی مخالف صهیونیست‌ها، چنین کردند. روزنامه‌های مخصوص صهیونیست‌ها که تاکنون در آمریکا منتشر شده ۱۴۰ روزنامه می‌باشد که به طور تقریبی تیراژ آنها به ۴ میلیون نسخه می‌رسد. علاوه بر این مجلات یهودی دیگری نیز وجود دارد که از نام آنها وابستگی به یهودیان معلوم است نظیر: «زادسا»، «جویش پرس»، «نشال جویش»، «نشلی» و...»

دیدگاه‌های صهیونیست‌ها در مورد فلسطینیان و به طور کلی اعراب، در مطبوعات غربی کاملاً اعمال می‌شود و دیدگاه جراید و مجلات آمریکایی به خاورمیانه، همان دیدگاه اسرائیل است همچنان که انتشار آنها از نظر کمی و موضوعی تماماً در جهت منافع اسرائیل و ضد عرب می‌باشد. علاوه بر اینکه مقالات روزنامه‌ها و سرمقاله‌های معروف‌ترین مجلات و جراید روزانه، مهم‌ترین کار خود را مذمت و سرزنش رهبران عرب و مسخ چهره‌های آنان نزد افکار عمومی بین‌المللی قرار داده‌اند. اما اصطلاحات تبلیغی غرب همچون مفاهیمی است که به نزاع مدنی صهیونیست‌ها مربوط می‌شود و جایگاه ویژه‌ای را متناسب با منافع ایدئولوژیک صهیونیست‌ها به دست آورده است. مثلاً «جنگ ژوئن» را «جنگ شش‌روزه»، جنگ اکتبر را «جنگ روزکیپور»، فدائیان و انقلابیون فلسطینی را «تروریست‌های عرب»، سرزمین‌های اشغالی را «سرزمین‌های فتح شده» یا آزاد شده و کرانه باختری را «یهودا و سامره» و عرب را تروریست و اسرائیلی را فدایی می‌نامند.

در آمریکا نشریاتی به چاپ می‌رسد که اعراب را همچون اشراری ترسو و بزدل و ثروتمندانی هوسباز و مسلمانان مبارز کشورهایشان را عامل بیگانه معرفی می‌کنند. یکی از این نشریه‌ها که نقش عمده‌ای در انحراف افکار عمومی جهان به نفع صهیونیست‌ها دارد، نشریه کانن (Connon) است. این نشریه نتیجه برنامه‌ریزی مبلغان صهیونیستی است. هدف این نشریه نابود ساختن ملت عرب همچون سرخپوستان آمریکا است. این نشریه اعراب را مجرم مادرزاد معرفی می‌کند و همین را به تنهایی برای نفی حق حیات اعراب کافی می‌داند.

فصل نخست

فصل اول با عنوان «مطبوعات فلسطین در دوره عثمانی (۱۸۷۶ - ۱۹۱۶ م)» سیری است در جراید این دوره تاریخی در زمانی که

الاتحاد، الارض المقدسة، الحارس والشروق یادگار این دوره‌اند.

فصل سوم

«ساختار مطبوعات پس از اشغال فلسطین». روزنامه‌نگاران فلسطینی علاوه بر پایه‌گذاری مجلات علمی، تخصصی و پژوهشی، کوشیدند تا گام فراتر نهند، و در خارج از مرزهای میهن، به معرفی دیدگاه‌ها، اهداف و آرمان‌های ملی خویش بپردازند: ۵ الدراسات الفلسطينية، جبل الزيتون، الجبل، شوون فلسطینیة و....

از سویی، این قانون که نشریاتی که یک بار به چاپ برسند، نیاز به دریافت جواز و کسب اجازه از مقامات ندارند، ما را با انبوهی از جراید سیاسی رو به رو می‌کند که تنها یک شماره از آن‌ها به چاپ رسیده است: صفائح، البديل الوطني، الطریق و السميرة تنها یک بار در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفتند!

فصل چهارم

«ساختار مطبوعات در کرانه غربی (پیش از ۱۹۹۳م)». با گذشت زمان، نشریاتی از سوی جمعیت‌های فلسطینی، اتحادیه‌های کارگری و سندیکاهای مختلف به چاپ رسید که بیشتر به مسائل صنفی می‌پرداخت، ولی از بررسی دیدگاه‌های سیاسی و نقل روی دادهای محلی نیز غافل نبود.

در این میان، می‌توان به مجله الجماهير العمالية در الخلیل، العامل در نابلس، صوت العمال در رام الله، العمال در بیت المقدس، المهندسون وابسته به اتحادیه مهندسان کرانه غربی و نوار غزه، كفاح العمل و صوت المرأة اشاره کرد.^۶

در کرانه غربی و نوار غزه چندین مؤسسه انتشاراتی و مرکز مطبوعاتی دایر بود که با وجود تهاجمات صهیونیست‌ها توانستند نشریات این منطقه را پوشش خبری دهند:

۱. دفتر ارائه خدمات مطبوعاتی فلسطین که در ۱۹۷۷ توسط ابراهیم فراعین و ریموند اطویل تأسیس شد. این مؤسسه، نشریاتی به زبان عربی و انگلیسی منتشر می‌سازد، و آن را در اختیار سفیران، نمایندگان کشورهای خارجی، خبرنگاران محلی و رسانه‌های گروهی قرار می‌دهد.

۲. مؤسسه انتشاراتی المنار که در قدس با مدیریت هانی عیساوی و ریحی شویکی فعال است.

۳. مؤسسه انتشاراتی القدس که در ژوئن ۱۹۸۲م با مدیریت سمعان خوری در بیت المقدس آغاز به کار کرد. این مرکز مطبوعاتی

با خبرگزاری‌های بزرگ خاور میانه و مطبوعات محلی، به ویژه روزنامه الاتحاد همکاری دارد.

۴. مؤسسه انتشاراتی صیام که در اکتبر ۱۹۸۵م به مدیریت صالح صیام تأسیس شد.

۵. دفتر مطبوعاتی غزه که در ۱۹۸۴م توسط حسن یوسف وحیده آغاز به کار کرد.

۶. مرکز خبری الراس که در آوریل ۱۹۸۷م با تلاش محمد تایه و فتحی لداوی در غزه راه افتاد.

افزون بر این‌ها، ده‌ها مرکز خبری و دفاتر مطبوعاتی در رام الله، نابلس، الخلیل، بیت المقدس و غزه دایر است که همچون خبرگزاری‌های فلسطینی، اخبار و تحولات جاری منطقه را در اختیار خبرنگاران قرار می‌دهد.

فصل پنجم

«ساختار مطبوعات فلسطین در نوار غزه (پیش از ۱۹۹۳م)». پس از جنگ ۱۹۶۷م مطبوعات نوار غزه در مقایسه با کرانه غربی، دیرتر سازمان‌دهی شدند، و انتشار نخستین نشریه پس از اشغال، تا سال‌ها به تأخیر افتاد.^۷

سختی‌های طاقت فرسای روزنامه‌نگاران در برابر فشار رژیم، و دورافتادگی آنان از دیگر فلسطینیان، تجربه مطبوعاتی نوار غزه را الگوی صادق و کاملی در راه انجام تعهدات ملی، حفظ میراث فرهنگی، ترویج روحیه مبارزه طلبی و تحکیم رشته‌های وحدت و وفاق ملی در مبارزه با صهیونیست‌ها به شمار آورده‌اند؛ الاسبوع الجديد، السلام، صوت الشباب، نداء التحریر، الوطن العربي و نداء العودة، برآمده از قلم روزنامه‌نگاران این تکه از فلسطین است.

فصل ششم

«تاریخچه پیدایش نشریات مقاومت». با گذشت زمان، مطبوعات مقاومت به شکوفایی چشم‌گیری دست یافت، و با ظهور روزافزون سازمان‌های جدید بر شمار نشریات مقاومت نیز افزوده شد.^۸ ویژگی‌های عمده نشریات مقاومت را می‌توان چنین برشمرد:

۱. برخورداری از پایگاه مردمی.

۲. انقلابی بودن.

۳. متعهد بودن.

۴. تنوع مطالب.

۵. اختلاف دیدگاه‌ها.

۶. عدم رعایت استانداردهای رایج.

گزارش‌های ماهیانه جاری مسائل فلسطین و اسرائیل و قدس عربی است، انتشار این مجله از مارس ۱۹۷۱م. تا به امروز ادامه دارد. در سال اول ابتدا این نشریه دو ماهنامه بود، ولی پس از چندی به ماهنامه بدل شد. به مناسبت ۱۱۱ شماره از این نشریه در فوریه ۱۹۸۱ فهرست کامل اسامی ده ساله اول نشریه خود را منتشر کرد که این رویه تا به امروز نیز ادامه دارد. این مجله را مرکز تحقیقات فلسطین منتشر می‌کند. (نک: الموسوعة الفلسطينية: الابحاث، ج اول، ۱۹۸۴م.)

پانوشته‌ها:

* اولین تلاش یک روزنامه‌نگار ایرانی در راه اثبات حقانیت ملت فلسطین را بنگرید به: فرامرزی، حسن، استاد عبدالرحمان فرامرزی و قضیه فلسطین، تهران: دستان، بهار ۱۳۷۸، ۲۴۰ صفحه، وزیری.

۱. مطبوعات فلسطین، ص ۱۱.
۲. همان، ص ۳۴.
۳. همان، ص ۵۱.
۴. همان، ص ۶۸.
۵. همان، ص ۸۴.
۶. همان، ص ۱۲۰.
۷. همان، ص ۱۴۰.
۸. همان، ص ۱۴۹.

منابع:

- الموسوعة الفلسطينية، مجمع المحققین، ج ۵، ۱۹۸۴.
- دانشجویان مسلمان پیرو خط امام: اشغالگران قدس، اسناد لانه جاسوسی، ش ۳۶.
- خبرگزاری وفا: تبلیغات و رسانه‌های گروهی صهیونیستی، نشریه وفا، ش ۱۱۶۹ و ۱۱۷۰.
- عابد ابراهیم: سياسة اسرائیل الخارجه، اهدافها و رسائلها و ادواتها، مرکز ابحاث الفلسطینیه، دراسات الفلسطینیه، ش ۳۳، بیروت ۱۹۶۱.
- رزوق، اسعد: الدولة والدین فی اسرائیل، مرکز ابحاث الفلسطینیه (حقائق و ارقام ۳۷) بیروت ۱۹۶۸.
- Dr. Jakob edolät (editor). *Encyclopedia of jusaica*, Berlin. Verläy eschköl, 1928/1 - 1973/10: volume 3, pp. 276-280.

۷. شماری رویه مطبوعات.

۸. عدم استقرار و ثبات.

۹. کم بود امکانات.

۱۰. ناتوانی در حل مشکلات جامعه.

نشریات زیر در این کتاب بررسی شده‌اند که توضیحاتی نیز برای برخی از آنان ذکر می‌شود.

۱. جهاد: روزنامه جهاد که به شکل مصور و به سال ۱۹۵۳م. در بیت المقدس انتشار یافت، به صاحب امتیازی محمود ابوالزلف و سردبیری سلیم الشریف و با مدیریت محمود یعیش منتشر می‌شد. ناگفته نماند که محمود یعیش یکی از صاحبان امتیاز نشریه العهد الجديد که در یافا منتشر می‌شد هم‌چنین صاحب امتیاز مجله الشعب می‌باشد که در قدس عربی بعد از اشغال انتشار می‌یافت. این نشریه بعدها رحل اقامتش را به اردن افکند و به سال ۱۹۶۷م. (مارس) بنا بر تصمیم دولت اردن مبنی بر توقف انتشار مطبوعات فلسطینی توقیف شد. بعد از ادغام الجهاد و الدفاس روزنامه‌ای به نام قدس منتشر می‌شد هنوز چند ماهی از انتشار این روزنامه نگذشته بود که سلیم الشریف برود و به قتل رسید. (نک: الخطیب، علی: الصحافة العربية فی الارض المحتلة، مجله مرکز الدراسات الفلسطینیه، ش ۲۲، ژوئن ۱۹۶۶، بغداد)

۲. ثورة الفلسطینیه: این مجله ماهانه بین سال‌های ۱۹۶۷م. تا ۱۹۷۱ از طرف دفتر تبلیغات و انتشارات جنبش آزادی بخش فلسطین (فتح) منتشر می‌شد اولین شماره در نوامبر ۱۹۶۷م. و آخرین شماره (۳۱) در ژانویه سال ۱۹۷۱م. منتشر شد این مجله در ابتدا یک نشریه خبری بود و در ۲۸ صفحه در قطع بزرگ چاپ می‌شد و شامل انعکاس و بازتاب عملیات نظامی جنبش مقاومت فلسطین در کشورهای عربی و جهان بود. در کنار سرمقاله و مقاله‌های اصلی از مسائل و خاستگاه‌های انقلاط، اشعار و تاریخ ملی فلسطین وجود داشت. پس از توقف چاپ جنبش آزادی بخش به همان مجله فتح (هفتگی) اکتفا نمود. (نک: الموسوعة الفلسطينية، الثورة الفلسطینیه، ج اول، ۱۹۸۴)

۳. ثار: هفته‌نامه سیاسی عقیدتی ثار که یکی از نشریات «هیأت مقاومت صلح با اسرائیل» به شمار می‌رود به تاریخ ۲۰/۱۱/۱۹۵۲ در بیروت انتشار یافت و انتشار آن تا اواسط سال ۱۹۵۸ همچنان ادامه داشت. این نشریه به بررسی موضوعات مربوط به فلسطین و دگرگونی‌ها و تحولات سیاسی اجتماعی آن می‌پرداخت و سخنگوی اصلی جنبش ملی اعراب به شمار می‌رفت. (نک: شوون الفلسطینیه، ش ۲۱، ایار ۱۹۷۳م.، بیروت)

۴. شوون فلسطینیه: این ماهنامه درباره مقالات، مطالعات و